



Scanning the "distinction between political crime and security crime"; Analysis of political crime cases in Iran

Mohammad Lori Nejad

Constitutional Law Researcher, Judiciary Research Institute,
Public Law Research Institute, Tehran, Iran

Mostafa Mansourian

Assistant Prof, Department of Public Law, Faculty of Law,
University of Judicial Sciences and Administrative Services,
Tehran, Iran (Corresponding Author)

پویشی در «تمایز جرم سیاسی از جرم امنیتی»؛ تحلیل پرونده‌های جرم سیاسی در ایران

محمد لری نژاد

پژوهشگر حقوق اساسی، پژوهشگاه فقه قضائیه، پژوهشکده حقوق عمومی، تهران، ایران
lorinejad@gmail.com

مصطفی منصوریان

استادیار گروه حقوق، دانشکده علوم قضایی و خدمات اداری،
تهران، ایران (نویسنده مسئول)

mansourian1@u.jsas.ac.ir

Abstract

The criminalization or non-criminalization of political activities shows the approach of the political system and the government in dealing with adversity and political criticism towards itself. Systematic and comprehensive analysis of Iran's legal system shows that the field of citizens' activities sometimes fluctuates towards "freedom" and "crime" and that is two "political" or "security" crimes, and this main issue emerges. It determines when the citizen's freedom is bound to the field of "crime" and basically gets a political and security description. In the meantime, what seems to be the main question of this research and the challenge of Iran's judicial system is what is the correct criterion for distinguishing political crime from security crime, so that in the light of it, the ambiguity and inadequacy in the field of distinguishing political crime from security crime can be resolved. Therefore, the present article, with a descriptive-analytical approach, while examining the political crime cases and paying attention to the documents as well as the legal aspects, examines how the Iranian criminal system deals with them and even if possible, presents a fair criticism. The result is that, although the quality of the crime seems to be a suitable indicator for differentiating political crime from security crime, but the totality of subjective criteria, mental, and public opinion can be considered as "accumulation of suspicion".

Keywords: Political crime, Security crime, judicial procedure, Public trial, Jury.

چکیده

جرم‌انگاری یا عدم جرم‌انگاری فعالیت‌های سیاسی، رویکرد نظام سیاسی و حاکمیت را در برخورد با ناملایمات و انتقادهای سیاسی نسبت به خویش نشان می‌دهد. تحلیل منظومه‌ای و جامع نظام حقوقی ایران، نشان‌گر این مطلب است که حوزه فعالیت‌های شهروندان، گاه به سوی «آزادی» و «جرم» و آن هم دو جرم «سیاسی» یا «امنیتی» در نوسان است. این مسئله اصلی را پدیدار می‌سازد که چه زمانی آزادی شهروند به حوزه «جرم» مقید شده و اساساً وصف سیاسی و امنیتی پیدا می‌کند. در این میان آنچه که به عنوان سوال اصلی این پژوهش و چالش نظام قضایی ایران به نظر می‌رسد، آن است که معیار صحیح تمایز جرم سیاسی از جرم امنیتی چیست تا در پرتو آن بتوان ابهام و نارسایی در حوزه تمایز جرم سیاسی از جرم امنیتی را مرتفع نمود. از این‌رو، در مقاله حاضر با رویکردی توصیفی-تحلیلی ضمن بررسی پرونده‌های جرم سیاسی و توجه به مستندات و همچنین مناطق حقوقی به بررسی نحوه مواجهه نظام کیفری ایران با آن‌ها و حتی الامکان به ارائه نقد منصفانه می‌پردازد. نتیجه آن که، گرچه به نظر می‌رسد کیفیت وقوع جرم به‌عنوان شاخصی مناسب در راستای تمایزدهی به جرم سیاسی از جرم امنیتی است، ولی می‌توان به مجموع معیارهای ذهنی و افکار عمومی به مثابه «تجمع ظنون» نگریست.

واژگان کلیدی: جرم سیاسی، جرم امنیتی، رویه قضایی، دادرسی علنی، هیئت منصفه.

Received: 2022/11/01 - Review: 2023/01/20 - Accepted: 2023/01/09

دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۱۰/۰۱ - بازنگری مقاله: ۱۴۰۱/۱۰/۲۰ - پذیرش مقاله: ۱۴۰۱/۱۱/۲۰

ارجاع:

لری نژاد، محمد؛ منصوریان، مصطفی؛ (۱۴۰۱)، پوشی در «تمایز جرم سیاسی از جرم امنیتی»؛ تحلیل پرونده‌های جرم سیاسی در ایران، تمدن حقوقی، شماره ۱۳.

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author (s) , with publication rights granted to Legal Civilization. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.



CC BY



مقدمه

جرم یکی از مفاهیم پیچیده‌ای است که اکثر محققان حقوق و حتی سایر رشته‌های علوم انسانی سعی در شناخت واقعی آن داشته و دارند. چنانچه بر این واقعیت غیرقابل انکار که «بدترین جرم ما، جهل مان نسبت به جرم است» (Fattah, 1997, 3)، صحه نهیم، نیاز به شناسایی و ره یافتن به معیارهایی دقیق برای تفکیک جرایم از یکدیگر پیدا خواهد شد؛ چرا که اشتباه و اغماض در شناسایی یک جرم از جرم دیگری، به پایمال شدگی حقوق افراد و گاه اقدامات غیرقابل جبرانی برای مجرمین می‌انجامد و عدالت نیز ایجاب می‌نماید تا جهت اجرای واقعی قانون نسبت به مجرمان، معیارهایی برای ابضاح و مرزگذاری میان این جرائم مشتبه شناسایی شود.

بی‌شک یکی از چالشی‌ترین مباحث حقوق کیفری ایران پس از انقلاب، تبیین ماهیت و مفهوم جرم سیاسی و تشخیص گستره آن است. موضوعی که با گذشت بیش از چهل سال از سابقه قانون‌گذار اساسی در ایران همچنان در هاله‌ای از ابهام و اختلاف قرار دارد، اما سوای گستره این نوع جرائم، آن چیزی که بر دشواری این موضوع می‌افزاید، درهم‌تنیدگی، تداخل و قرابت جرم سیاسی با جرم امنیتی است. در دشواری این درهم‌تنیدگی، عده‌ای از صاحب‌نظران بر این عقیده هستند که نمی‌توان تفاوت قابل توجهی بین جرائم سیاسی و امنیتی (نظیر فعالیت تبلیغی علیه نظام) قائل شده (میرمحمدصادقی، ۱۳۸۹، ۶۶) و از این‌رو تشخیص این که جرم فعالیت تبلیغی علیه نظام در زمره جرم امنیتی یا جرایم سیاسی قرار گیرد چندان مرز مشخصی ندارد؛ طرفداران این نظریه معتقدند، تفکیک میان این دو جرم باعث سرخوردگی

روشنفکران و منتقدان نظام و از دست دادن همراهی گروهی عظیمی دلسوز با نظام مستقر است (شریف آبادی عزیزی، ۱۳۹۷، ۸۰). همچنین عده‌ای دیگر بر این اعتقاد هستند که رابطه میان جرایم امنیتی و سیاسی رابطه عموم و خصوص من وجه است؛ بدین تعبیر که ممکن است که بعضی جرایم امنیتی، سیاسی باشند و بعضی جرایم سیاسی نیز امنیتی محسوب شوند (کوشکی و عزیزاده، ۱۳۹۴، ۱۲۲).

بی‌پایه، مسئله این پژوهش، شناسایی معیارهای مرزگذار میان جرم سیاسی و امنیتی است تا بر پایه آن بتوان در عین تمایز دو نظم حقوقی حاکم بر هر یک از این‌ها، نظم قضایی و دادرسی و دیگر احکام حقوقی را پی‌ریزی و مورد نقد و مطالعه قرار داد. تمایز میان این دو جرم این فایده و اثر را دارد تا کسانی که باعث سلب آسایش و امنیت کشور می‌شوند و مسلحانه و خشونت‌آمیز اقدام می‌کنند و مجرمان امنیتی واقعی هستند، خود را با این خطای رویکردی در تعریف جرم سیاسی معرفی نکنند و از حقوق مجرمان سیاسی بهره‌مند نشوند. از سویی دیگر عدم ارائه ضابطه و معیار برای تمایز جرم سیاسی از امنیتی، سبب می‌شود که نظام قضایی بتواند منتقدین سیاسی را در ذیل مجرمان امنیتی قرار داده و آن‌ها را از شمول قانون جرم سیاسی خارج کند و در نتیجه از حقوق مندرج در قانون محروم ساخته و موجب تضییع حقوق آنان شود.

به هر روی، این نوشته، متمایز از نوشته‌های پیشین که عمدتاً رویکردی نظری و فارغ از نگرش تحلیلی به رویه قضایی داشته‌اند^۱، با رویکرد واقع‌گرا، در پی شناسایی معیار تمیزدهنده و نقد و بررسی رویه قضایی اندک موجود در ایران است. مبتنی بر این مسئله، سامان این نوشته که به روش توصیفی-تحلیلی نگاشته شده، در ابتدا، چالش‌های کنونی در فهم جرم سیاسی (قسمت اول)، معیارهای مطرح و محتمل در تفکیک جرم سیاسی از جرم امنیتی (قسمت دوم)، و در نهایت، بر محور این معیارها پرونده‌های قضایی موجود (قسمت سوم) تحلیل خواهد شد.

۱- برای نمونه، در نوشته تحلیل جرم فعالیت تبلیغی علیه نظام جمهوری اسلامی ایران، نویسنده به بررسی پرونده‌های تبلیغ علیه نظام در دستگاه قضایی پرداخته، ولی صرفاً بر اساس ارزیابی و سنجش ذهنی خود به پرونده‌ها پرداخته است و حتی در یک پرونده، در آن واحد، بنا بر ذهنیت خود حکم به مجرمیت متهم به‌عنوان تبلیغ علیه نظام داده و به اعتبار ارزیابی دیگر خود، آن فعل را جزء جرایم ندانسته و آن را انتقاد در نظر گرفته که می‌بایست متهم تبرئه شود. بنابراین در این نوشتار ضابطه و معیار خاصی ارائه نشده است (شریف آبادی عزیزی، ۱۳۹۷، ۱۲۰). همچنین در نوشته جرم سیاسی و چالش‌های فراروی تعریف آن در ایران، نویسندگان فقط سه ضابطه (عینی، ذهنی و تلفیقی) تشخیصی جرم سیاسی بیان کرده‌اند ولی به تطبیق این ضوابط با متن قانون جرم سیاسی نپرداخته‌اند (رشیدی و خادمی، ۱۳۹۵، ۱۳۷). افزون بر این که رویکرد تحلیل رویه‌ای در این نوشتارها وجود ندارد.

۱- چالش‌های مفهومی «جرم سیاسی»

تاریخ و تجربه نظام‌های حقوقی مختلف و از جمله نظم حقوق ایران، نشانگر برخی چالش‌ها در حوزه فهم جرم سیاسی است. این چالش‌ها را می‌توان عمدتاً متأثر از نسیت مفهوم، امر دکترینال و امر فقهی حاکم بر جرم‌انگاری جرم سیاسی دانست که در ذیل به آن‌ها اشاره خواهد شد. بدیهی است که توجه به این خصلت‌های واقعی در جرم سیاسی، در شناسایی و پیش‌نهاد معیارهای متمایزکننده ضرورت دارد.

۱-۱- نسیت مفهومی جرم سیاسی

تاریخ غرب و تجربه نظام‌های حقوقی مختلف نشان‌گر برخی چالش‌ها در حوزه فهم جرم سیاسی است. این چالش‌ها را می‌توان عمدتاً متأثر از مبانی و خصلت‌های ذاتی حاکم بر جرم‌انگاری جرم سیاسی دانست؛ همچنان‌که در مقابل نیز، اصول و رویکردهایی همچون حاکمیت قانون، رعایت حقوق و آزادی‌های عمومی جزو کارویژه‌های ذاتی حکومت‌های دموکراسی‌محور به‌شمار می‌آید. این دو دسته مبانی در جرم‌انگاری جرم سیاسی و نیز مبانی آزادی‌های فعالیت‌های سیاسی منجر به نسیت مفهوم جرم سیاسی در دوره‌های گوناگون و در سیستم‌های سیاسی مختلف شده است؛ خصوصاً که حرکت در مسیر این مبانی به قانون‌گذار وابسته بوده و از مکانی به مکان دیگر تفاوت قابل توجهی به خود می‌گیرد. از این‌رو، یک مفهوم نسبی و متغیر تلقی می‌شود. این وابستگی به حدی است که «جرائمی مانند قتل، کلاهبرداری، سرقت، خیانت در امانت و... حتی با تغییر نظام سیاسی وقت نیز، دارای وصف کیفی باقی خواهند ماند؛ درحالی‌که جرائم سیاسی ممکن است با تغییر نظام حکومتی و به تبع آن تغییر نظام حقوقی، دیگر در زمره اعمال کیفری قرار نگیرند» (منصوری‌نیا، ۱۳۹۵، ۱۴).

از سوی دیگر، نسبی بودن مفهوم جرم سیاسی معنای خود را در تعامل بین حاکمیت و آزادی‌های فردی می‌یابد؛ شکل‌گیری سیستم‌های سیاسی دموکراتیک، تمیز و تشخیص جرم سیاسی را دشوار کرده است. در واقع، کشورهای دموکراتیک بیان اعتراض از طریق راهپیمایی و تظاهرات علیه دولت، انتقاد از دولت و نشر عقاید خلاف عقیده حاکم را که سابقاً به‌عنوان جرم سیاسی محض در دادگاه‌ها مورد رسیدگی قرار می‌گرفت، از عداد جرایم قابل پیگرد خارج کرده‌اند (زارع، بی‌تا، ۱۱) و اگر هنوز نظام‌های کیفری غربی واژه جرم سیاسی را از ادبیات حقوقی و قوانین موضوعه خود پاک نکرده‌اند، علت را باید در تعامل ناگزیر این نظام‌ها با نظام‌های غیرغربی برای جلوگیری از استرداد مهاجرین و پناهندگانی که به اتهام مخالفت با نظام سیاسی خود تحت تعقیب حکومت غیر غربی قرار گرفته‌اند جست‌وجو کرد (رحمانی،

۱۳۹۷، ۱۰۸). اما در مقابل، جرم سیاسی مربوط به حاکمیت‌هایی است که فرد نمی‌تواند به صورت مسالمت‌آمیز سخنی را بیان و یا اقدامی را مرتکب شود، بنابراین حاکمیت ممکن است سراغ این افراد بیاید و با آن‌ها برخورد شدیدی کند (رشیدی و خادمی، ۱۳۹۵، ۱۴۶). پرواضح است که از منظر این قبیل حکومت‌ها سستی، به‌ویژه در برابر منتقدان و مخالفان یک نقطه منفی و از نگاه آن‌ها چه‌بسا زمینه شکست و سرنگونی حکومت در برابر مخالفان باشد. از این رو، استناد به بهانه‌ای، نظیر جرایم ضدامنیتی و تبلیغ علیه حکومت، توسط زمامداران مرسوم در جهان سوم برای سرکوب مخالفان بسیار رایج و شایع است. در نظر این قبیل حکومت‌ها، با پیشگیری و سرکوب مخالفان، پایه‌های حکومتی دوام و استحکام خواهد یافت؛ نمونه بارز آن را می‌توان سرکوب مبارزین سیاسی مانند روحانیون مبارز، رهبران فکری و روشنفکران توسط رژیم پهلوی نمایان دانست.

بنابراین در مجموع می‌توان بیان کرد که مفهوم جرم سیاسی سیال تابعی از نوع نگرش حکومت و درون پیوند قدرت و جرم بازتعریف می‌شود؛ همچنان که نگاه امنیت‌گرا به مسئله جرم و مجازات می‌تواند نگرشی دیگر و متفاوت از نگاه عدالت‌گرا به‌عنوان مبنا در رویکرد حکومتی امامیه رقم زند.

۱-۲- ابهام در نسبت میان امر دکترینال و تقنین جرم سیاسی

چالش دیگری نیز در درک «جرم سیاسی» وجود دارد و آن روشن نبودن و عدم شفافیت نسبت میان «امر دکترینال» و «تقنین» در خصوص جرم سیاسی است. حقوقدانان و اندیشمندان علم حقوق نیز تعاریف مختلفی از جرم سیاسی ارائه نموده‌اند که با وجود اختلافاتی مبتی و غیرقابل مسامحه، اجماع بر سر ارکان و تعریف جرم سیاسی را دشوار می‌سازد. البته لازم به ذکر است که ماهیت برخی از این تعاریف، بیش از آن که در ساخت و قالب منطقی قرار گیرد، سیاق تعریف به اخفی و نیز تعریف توضیحی است و چندان نمی‌توان عناصر اساسی تعریف (جنس و فصل) را در آن یافت و در معرض مقایسه با دیگر تعاریف قرار داد؛ که به اهم این تعاریف اشاره می‌شود: فعل یا ترک فعل مجرمانه‌ای که با انگیزه خیرخواهانه و بدون در نظر گرفتن نفع شخصی و بدون اعمال خشونت و درگیری، علیه نظام سیاسی مستقر (مشروع) و حاکمیت دولت و مدیریت مالی کشور و یا حقوق و آزادی‌های سیاسی و قانونی شهروندان ارتکاب می‌یابد (پیوندی، ۱۳۸۳: ۹۱). به گفته شفر، جرم سیاسی یک جرم عقیده است که مجرم بر اساس عقیده یا انگیزه مجرم در مورد حقیقت و توجیه و مدافعه عقاید نوع دوستی انجام می‌دهد و نقض قانون در جرم سیاسی، ابزاری برای اهداف ایدئولوژیک هست (Radzinowicz & wolfgang, 1997, 368). در تعریف

دیگری، مراد از جرم سیاسی فعل یا ترک فعلی است که مطابق قوانین موضوعه جامعه قابل مجازات است، به شرط آن که با انگیزه سیاسی و به شیوه مسالمت آمیز علیه نظام سیاسی مستقر یا حقوق عمومی و آزادی‌های قانونی شهروندان انجام شود و مقصود از آن نفع شخصی نباشد (کدیور، ۱۳۷۹، ۴۸۵).

از منظر برخی از اندیشمندان علوم سیاسی نیز، جرم سیاسی یک جرمی است که مرتکب آن با توسل به رفتاری، اقدام به انتقاد یا اعتراض به وضع موجود حاکمیت می‌نماید و در قبال این رفتار مجرمانه، دارای انگیزه سیاسی و بهبود دادن به امور است نه کسب منابع مالی و قدرت و نظایر آن؛ لذا این مسیر اگر با قوه قهریه و نزاع همراه شود با مجازات شدید عقوبت می‌شود، اما اگر اقدام با آرامش نظیر بیان مطلوب انتقادی در چهارچوب حزب و رسانه باشد، در اکثر کشورها جرم تلقی نمی‌شود؛ اما در برخی از کشورها نیز برای تحقق یافتن جرم سیاسی به همین نیز اکتفا می‌شود (بشیری، ۱۳۸۲، ۱۷۱).

بعضی از حقوقدانان با بهره‌گیری از روش احصاء با برشمردن تعدادی از جرائم به نام جرائم سیاسی آن‌ها را از جرائم دیگر جدا می‌کند؛ از جمله: جرایمی علیه دولت (نقض قانون به منظور اصلاح یا تغییر شرایط اجتماعی)؛ جنایات توسط دولت، در سطح داخلی (اقدامات غیراخلاقی مقامات دولتی و نهادها که نقض قانون را در داخل یک کشور در پی دارد)^۲ و در سطح بین‌المللی (نقض قوانین داخلی و بین‌المللی توسط مقامات دولتی و سازمان‌هایی که بزه‌دیدگی آن‌ها در خارج از کشور اتفاق می‌افتد) واقع می‌شود (Ross, 2002, 4). نمونه‌هایی از آن را می‌توان در نقض دادرسی عادلانه، توقیف خودسرانه، تبعیض نژادی، منع مشارکت سیاسی و استراق سمع مشاهده کرد (Campell, 2006, 36).

هرچند گفتمان راجع به جرایم علیه دولت (جرم سیاسی مثبت) به‌رغم تعلق در تصویب قانون آن، در ادبیات جنایی ایران سابقه دیرینه دارد، اما ایده جنایات توسط دولت (جرم سیاسی منفی) این گونه نبوده و نوظهور است (حائری و همکاران، ۱۳۹۱، ۵۱). در قانون جرم سیاسی مصوب ۱۳۹۵، در ماده (۱) آن، فعل مجرمانه توأم با انگیزه بهبود و اصلاح امور کشور و نداشتن قصد ضربه به نظام از سوی مرتکب مراد مقنن از

۲- جرم سیاسی دولت و کارگزاران آن علیه حقوق اساسی شهروندان با وصف سیاسی که می‌توان با ارزش‌گذاری اخلاقی آن را جرم سیاسی نامید (توسلی نائینی و قاسمی، ۱۳۹۶، ۷۳). شایان ذکر است که در این پژوهش، هر جا از مجرم سیاسی سخن رفته، مقصود جرایم ارتكابی ناشی از اعمال کشتگران سیاسی و فعالان حوزه عمومی است و اقدامات غیرقانونی کارگزاران و مقامات حکومت که متضمن نقض حقوق بشر و سلب حق‌های بنیادین افراد ملت تلقی می‌شود، مقصود این پژوهش از این تداخل جرایم سیاسی و امنیتی نیست؛ چون که، جرایم سیاسی حکومتی را که نوعاً افراد در مسند قدرت انجام می‌دهند، مخفی و البته بسیار زودتر از آن که مردم متوجه شوند، واقع می‌شود.

جرم سیاسی (مثبت) بوده است و اشاره‌ای به جنایات توسط دولت (جرم منفی) در قانون مزبور نشده است. در اندیشه پکر، حقوقدانان کامن‌لایی نیز، جرم سیاسی «به رفتارهای ناهمگون و غیرمتوافق با وجود دولت که بر نظم و عدالت و اداره مشاغل عمومی تأثیرگذار است» تعریف شده است. بر این اساس، وی جرم سیاسی را به خیانت (بی‌وفایی)، فتنه‌انگیزی، طرفداری از سرنگونی حکومت و جاسوسی تقسیم کرده است (Packer, 1962, 77). به گفته راس، در کتاب جرایم علیه دولت، جنایات علیه دولت را می‌توان «جرایم مخالف^۳» نامید که مشتمل بر پنج نمونه کلاسیک است: براندازی (سرنگونی حکومتی که تثبیت شده یا بالفعل و بیشتر ناظر به اقدامات قانونی یا غیرقانونی برای تضعیف دموکراسی است)؛ فتنه (تحریک یا قیام علیه قدرت غیرقانونی، نظیر اقتراء به دولت یا رهبران سیاسی)؛ خیانت (اقدامات آشکار با هدف سرنگونی دولت یا قتل یا صدمه زدن شخص به حاکم یا خانواده آن‌ها)؛ جاسوسی (از جمله نسبت به اطلاعات نظامی یا تسلیحاتی)؛ تروریسم؛ به‌عنوان روشی برای مبارزه که در آن قربانیان عادی هدف خشونت قرار می‌گیرند و این می‌تواند به شکل عادی به شیوه‌های تحت حمایت دولت و جامعه بین‌المللی باشد (Wright & Miller, 2005, 1228). برخی از حقوقدانان عرب نیز جرم سیاسی را به عملی معنا نموده‌اند که در آن، جانی به صورت مستقیم یا غیرمستقیم، به تغییر وضع سیاسی در حاکمیت و تبدیل آن به وضعیتی غیر از وضع بالفعل اقدام می‌کند (الفاضل، ۱۹۷۶، ۷۷).

در مجموع، امر دکترینال بدین نحو دسته‌بندی می‌شود که برخی، تنها به نفس عمل ارتكابی توجه کرده‌اند (جرایم مخالف)؛ یعنی جرم سیاسی را عملی می‌دانند که به نظام سیاسی لطمه وارد می‌کند؛ چه اهداف سیاسی در بین باشد یا این که اهداف سیاسی در بین نباشد و چه انگیزه مجرم شرافتمندانه و اصلاح‌طلبانه باشد و چه با انگیزه‌های شخصی و سودجویانه صورت گیرد. برخی دیگر از تعاریف نیز صرفاً به مواردی اشاره کرده‌اند که در صورتی جرم، جرم سیاسی خواهد بود (مانند محروم کردن افراد از حق ادعاهای مقرر در قانون اساسی) که با اهداف سیاسی یا اثرات سیاسی به نفع حکومت و اکثراً برای جلوگیری از مرتکبان جرایم سیاسی مثبت ارتكاب یابد (جرم سیاسی منفی)؛ درحالی که اکثر صاحب‌نظران بر این عقیده‌اند که جرم سیاسی فعلی است که مرتکب آن با توسل به رفتاری مسالمت‌آمیز، با ابزار قلم و ابراز سخن به انتقاد یا اعتراض از وضع موجود حاکمیت می‌نماید.

عدم شفاف بودن نسبت امر دکترینال و جرم سیاسی (فارغ از درجه تأثیر دکترین بر تقنین و

هنجارسازی) به گونه‌ای است که گروهی از حقوقدانان مانند اوپنهایم معتقدند که ارائه تعریفی از جرم سیاسی ممتنع است (لواسور، ۱۳۶۹، ۱۵۳). برخی از حقوقدانان نیز بر این عقیده‌اند که اساساً لفظ مجرم در مورد افرادی که به انگیزه اصلاحات اجتماعی و نه شخصی و گروهی علیه نظام حاکم قیام می‌کنند، چندان قانع‌کننده نیست (نوربها، ۱۳۸۸، ۲۶۱) و برخی حتی عنوان شهید را بر مجرم سیاسی اطلاق کرده‌اند (Schafer, 1972, 386).

۱-۳- چالش‌های فقهی

با توجه به این که جرم سیاسی و امنیتی با این عنوان، در فقه مطرح نیست، ضروری است که «سیاقی» روش‌شناختی پیشنهاد گردد تا بر حسب آن، بتوان قرابت این جرایم را با مفاهیم متقارب فقهی سنجید؛ اما به نظر می‌رسد که استناد نادرست به مبانی فقهی، خود چالش‌هایی را در فهم جرم سیاسی پدید آورده است. توضیح این که، پس از انقلاب، می‌توان، مهم‌ترین سند در خصوص جرم سیاسی را اصل یکصد و شصت و هشتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران دانست. البته شایان ذکر است که در زمان تصویب اصل یکصد و شصت و هشتم قانون اساسی، در مشروح مذاکرات مجلس خبرگان بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، برخی بر این عقیده بودند که با توجه به نبودن تعریفی واضح برای جرایم سیاسی، رسیدگی به این جرم در واقع احاله به مجهول است، مگر این که مرجعی را برای تعریف این جرم معین کنیم (مشروح مذاکرات قانون اساسی، ۱۳۶۴، ۱۶۷۸).

از سوی دیگر یکی از مسائلی که در بین علماء و مراجع و قانون‌گذاران اساسی مطرح شد و نسبت به آن نوعی حساسیت وجود داشت، مسئله انطباق قوانین جدید با احکام اسلام بود. این امر ناشی از این دیدگاه بود که قوانین کیفری موجود از کشورهای غربی و قوانین غیرشرعی نشأت گرفته و هرچه زودتر باید این قوانین جای خود را به احکام جزایی برگرفته از فقه‌الاسلام بدهد. خصوصاً آن که اکثر قانون‌گذاران اساسی تحصیل‌کرده‌های حوزه علمیه بودند و نسبت به اجرای احکام شرعی احساس مسئولیت و وظیفه می‌کردند. توضیح این مدعا آن که، قانون اساسی در اصل یکصد و شصت و هشتم قانون‌گذار عادی را مکلف کرده است که بر اساس موازین اسلامی، تعریف جرم سیاسی و همچنین نحوه انتخاب، شرایط و اختیارات هیات منصفه را معین کند. دوگانه موجود آن است که «بعضی معتقدند که تعریف جرم سیاسی نباید کاشف از اوامر و نواهی شرعی باشد و ما می‌توانیم جرم سیاسی را جزء مباحث

مالانص فیه که از منطقه الفراغ دینی قابل برداشت است بدانیم^۴ و دلیل آن‌ها این است که در منابع فقهی و روایی و دیدگاه‌های فقهای امامیه به‌ویژه کتب و ابواب فقه سیاسی وجود اصطلاح جرم سیاسی و ارائه تعریف و تبیین شرایط دقیق آن، منتفی است و در فقه سیاسی، وجود برخی از جرایم و اصطلاحات فقهی، همچون بغی، محاربه و افساد فی الارض نمی‌توان حتی با مسامحه به مصادیق جرم سیاسی یا در حکم جرم سیاسی نسبت داد. به‌ویژه اختلاف فقه امامیه با قواعد حاکم بر نظام عدالت کیفری جهان در موضوع جرم سیاسی و نحوه مواجهه با متهمان و محکومان این جرایم، از حیث عدم پیش‌بینی امتیازات در زمینه‌های حقوق دادرسی، محاکمه و سزادهی در فقه امامیه و برعکس طراحی سخت‌ترین کیفرها در جرم بغی، محاربه و افساد فی الارض (کیفر اعدام) برای مرتکبان آن از سوی فقه امامیه و فقدان هرگونه سهل‌گیری در مرحله دادرسی همگی از جهات تقویت این نظریه هستند (یوسفلو، ۱۳۹۷، ۲۰).

در توضیح این نظریه می‌توان گفت که از مبانی این رویکرد، اصالت دادن به توقیفی نبودن جرایم و مجازات‌ها و اعتقاد به «امضایی بودن جرایم و مجازات‌ها» است. بر این اساس، نیازی به تطبیق یا فهم جرم سیاسی در قالبی از قالب‌های موجود در فقه کیفری نیست و می‌توان به صرف عدم مخالفت با مناسبات و موازین شرع اکتفا کرده و به جرایم و مجازات‌های جدید روی آورد. افزون بر این که، گرچه برخی جرایم از پیش موجود در شریعت در راستای حفظ نظام اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی جامعه بوده است؛ اما این جرایم در حوزه فقه فردی معنا شده و با توجه به رویکرد فقه سیاسی و فقه حکومتی، می‌توان جرایمی در راستای حفظ نظام سیاسی شناسایی کرده و رسمیت بخشید.

در مقابل عده‌ای معتقدند در اصل یکصد و شصت و هشتم قانون‌گذار اساسی صراحتاً اعلام کرده است که قانون‌گذار عادی مکلف است جرم سیاسی را بر اساس موازین اسلامی تعریف کند. همین مطلب را می‌توان به‌عنوان چالش آخر در فهم جرم سیاسی مطرح کرد: «نسبت امر اساسی‌سازی شده در قانون اساسی با امر اجتماعی و تاریخی جرم سیاسی». در حقیقت جرم سیاسی در «زمینه و زمانه» فهم می‌شود و همین امر گستره آن را مشخص ساخته و منجر به تفسیرهای متعدد از جرم سیاسی در قانون اساسی شده است؛ از جمله، در خصوص این که، مجرم سیاسی کیست؟ چه حقوقی را داراست؟ و تعهدات حکومت در این زمینه چیست. نظریه نخست، به دنبال تفسیر مضیق از اصل یکصد و شصت و هشتم است. پیروان این نظریه در پی تفسیر محدودی از اصل یکصد و شصت و هشتم هستند و بر این باورند که مجرم سیاسی،

۴- مناظره اکبر اعلی و غلامحسین الهام، منتشر شده در: <http://www.seevid.ir>

کسی است که نظام را قبول داشته و در چهارچوب‌های اصلی نظام جمهوری اسلامی یا همان اصول سخت و غیرقابل انعطاف قانون اساسی، یعنی: دین، مذهب رسمی کشور، ابتدای نظام سیاسی بر ولایت فقیه و اسلامیت یا جمهوریت، انتقادی داشته باشند (محبی، ۱۳۸۹، ۴۸).

نظریه تفسیر موسع، رویکردی دیگر و به نحوی مثبت به این اصل داشته است. این تفسیر که عمده‌تاً غایت‌گرا و مبتنی بر روح قانون بوده و معتقد است اصل مزبور، اهدافی دارد که بایستی محقق شود. این تفسیر معتقد است بایستی منتقدان و مخالفان بسیاری را جزء مجرمان سیاسی دانست. برای مثال کسانی که با حفظ نظم عمومی و عدم توسل به خشونت با اصول سخت و غیرقابل تغییر نظام مخالفت کنند، جزء مجرمان سیاسی قرار می‌گیرند و باید از امتیازات و ارفاقات ویژه برخوردار شوند (گرچی از ندریانی، ۱۳۹۵، ۱۲۱). موافقان این نظریه عقیده دارند: قانون‌گذاران اساسی و مقامات عالی‌رتبه بعد از انقلاب نیز مخالفان و معترضان حکومت پهلوی بوده‌اند که نه تنها اصل رژیم پهلوی بلکه هیچ‌گونه مبانی و اصول و چهارچوب رژیم شاهنشاهی را قبول نداشته‌اند که تعقیب این مجرمان توسط سازمان اطلاعات و امنیت کشور (ساواک) صورت می‌گرفت و برای گرفتن اقرار از هیچ‌گونه شکنجه و آزاری دریغ نمی‌کردند؛ از جمله رهبر کبیر انقلاب اسلامی که مجرم سیاسی حکومت پهلوی بود که حتی به مجازات تبعید خارج از کشور نیز محکوم شد؛ اما قهرمان نظام جمهوری اسلامی شد که با سخنان و نوشته‌های گران‌بهای خود درصدد روشنگری مردم برآمد (پژمان منش، ۱۳۹۵، ۶۳). همچنین تأکید قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بر الزام به تعریف جرم سیاسی توسط قانون‌گذار عادی بیانگر رویکرد حمایت‌گرایانه نظام حقوقی ایران از متهمین سیاسی و پذیرش اصل اختلاف آراء و تفاوت عقاید سیاسی است (شاملو، ۱۳۹۰، ۶۹۵).

در مقابل عده‌ای بر این باورند که براندازی و تغییر اصول اساسی نظام، هر دو یک معنی دارند و اهداف شان تغییر نظام است. همچنین برخی اصول قانون اساسی همچون اصل ولایت فقیه و اصل مربوط به جمهوریت و اسلامیت نظام غیرقابل تغییر است و کسانی که می‌خواهند این اصول از ساختار سیاسی حکومت حذف شود، معنای کار آن‌ها معادل براندازی است و نیت مصلحانه با براندازی و تغییر ساختار سیاسی نظام و ساختارشکنی نمی‌خواند (حکمت، ۱۳۹۵، ۵۴). در خصوص اصول تعیین‌کننده نظام و ارزش‌های اساسی آن، تغییر آن حتی از طریق بازنگری نباید میسر باشد؛ زیرا این امر وفاداری نسبت به

نظام سیاسی را عملاً مخدوش می‌سازد (هاشمی، ۱۳۹۱، ۵۹). به هر حال، این دو نظریه از جرم سیاسی در اصل و ماهیت با هم فرق دارند و از حیث نتایج بحث، چنان فرق اساسی و تفاوت جوهری دارند که در دو سویه مخالف هم قرار می‌گیرند.

۱-۴- تناقض نمای «رویکرد»ها در جرم سیاسی و «روش» قانون‌گذار در ایران

تفتین عادی قانون جرم سیاسی در ایران با تاخیر مواجه بوده است. در اوایل انقلاب یعنی فضای سیاسی التهاب، بحران و توطئه‌های پی در پی دشمنان بیگانه جهت بر هم زدن ثبات حکومت نوپای ایران و البته عملکرد برخی گروهک‌های تروریستی در داخل کشور منجر به نافرجامی تلاش‌های صورت پذیرفته شد (واعظ فخری، ۱۳۸۸، ۶۸). در تحولات دهه هفتاد^۵ که جامعه به طور محسوسی در صدد تجربه توسعه سیاسی برآمد، موضوع جرم سیاسی و ضرورت آن بیش از گذشته توجه را جلب نمود. حاصل این تلاش‌ها در طرح جرم سیاسی، مصوب ۱۳۸۰/۰۳/۰۸ دوره ششم مجلس شورای اسلامی می‌باشد که با ایرادات فراوان شرعی و قانونی شورای نگهبان^۶ مواجه گردید. لیکن تلاش‌های صورت گرفته به‌ویژه طی دو دهه گذشته برای تعریف قانونی جرم سیاسی و تبیین حقوق مخالفان سیاسی و در نهایت اعطای تضمین‌ها و ارفاق‌های ویژه به متهمین و مجرمین سیاسی و تصویب نهایی قانون جرم سیاسی در اردیبهشت ۱۳۹۵ را صرفاً باید متأثر و ناشی از الزام قانون اساسی دانست (رحمانی، ۱۳۹۵، ۹۵۱). اما این اقدامات را نمی‌توان موافق مشی مجرب نظام‌های کیفری پیش رو به حساب آورد، از آن روی که تعریف مفهوم و تعیین مصادیق جرم سیاسی در قانون جرم سیاسی مصوب قوه مقننه ایران، در برهه‌ای از تاریخ حقوق کیفری جدید صورت گرفت که حقوق مدرن غربی، اساساً از تفکیک و تمایز میان جرم سیاسی و جرم عمومی عبور کرده بود (رحمانی، ۱۳۹۷: ۱۰۷). در قانون جرم سیاسی، مواد یک و دو عهده‌دار تبیین عنصر قانونی جرم سیاسی شده‌اند.

انتظار از قانون جرم سیاسی این بود که بتوان با تمسک به آن، حمایت حداکثری از طیف وسیعی از منتقدان و مخالفان واقعی را دربرگیرد در همین راستا از نقاط قوت قانون فوق، توجه به ضابطه مختلط برای تشخیص جرم سیاسی است. در ماده یک این قانون، توجه به عبارات انگیزه اصلاح امور کشور، بدون قصد ضربه زدن به اصل نظام موید تأیید نظریه ذهنی است. در ماده دو نیز، مقنن با توجه به ضابطه عینی،

۵- ۱۳۸۰-۱۳۷۰

۶- نامه شماره ۸۰/۲۱/۱۶۲۲ مورخ ۱۳۸۰/۰۴/۰۲ شورای نگهبان

یک دسته از جرائم را برشمرده و با تحقق شرایط مندرج در ماده یک، جرم ارتكابی را جرم سیاسی می‌داند (صادقی و همکاران، ۱۳۹۸، ۲۶۵) در عین حال، اشکالی که می‌توان گرفت، محدودیت و تنزل عناوین جرم‌انگارانه سیاسی به توهین، افتراء و نشر اکاذیب با مبنای جرم‌انگاری سیاسی که حمایت از مجرم سیاسی است همخوانی ندارد. جرم سیاسی مفهومی انتزاعی است و احتمال این که جرم سیاسی همیشه به صورت توهین، افتراء و نشر اکاذیب اتفاق نیفتد، بلکه می‌تواند به اعتبارهای گوناگونی از جمله نقد شکل و فرم نظام صورت پذیرد زیاد است. قضات با توجه به نبود قانون و اصل قانونی بودن جرایم، قاعده قبح عقاب بلا بیان با هیچ نوع تکلیفی در رابطه با قانون جرم سیاسی روبرو نیستند و احتمال بررسی پرونده‌ها به جرم فعالیت تبلیغی علیه نظام^۷ وجود دارد. بلکه منظور از تصویب این قانون ارائه ابزاری نو و ایجاد ضوابط جدید حقوقی است تا کنشگران و منتقدان واقعی با استناد به این ابزارها و معیارها به حمایت صریح از حقوق مجرمان سیاسی در برابر مجرمان ضدامنیت که فعالیت‌های آنان دارای اثرات مخرب زیاد و از توان ویرانگری بالایی برخوردارند پردازند.

۲- پویشی در امکان و ضوابط تفکیک جرم سیاسی و جرم امنیتی

به نظر می‌رسد در کشاکش جرم سیاسی و جرم امنیتی، برخی از معیارها بتواند کارساز باشد و بتواند تمایز ذاتی یا عرضی میان این دو جرم را نشان دهد. به عبارت دیگر، چنانچه، بتوان در انتهای این قسمت، به برخی معیارها در فرایندی تحلیلی، دل بست، می‌توان به تمایز میان جرم سیاسی و جرم امنیتی امیدوار بود ولی برخی از معیارهای ذیل، وجه تمایز ذاتی نداشته و صرفاً کارکردی بهتر در صورت شناسایی نوع جرم خواهد داشت، اما در مرحله نخست و وهله شناسایی ماهیت جرم کارآ نیستند. در ذیل نویسندگان به بیان مهم‌ترین معیارهای تمیز جرم سیاسی از دیگر جرایم می‌پردازند و در انتها نیز به ناکارآمدی برخی معیارها، پرداخته خواهد شد.

۲-۱- ضوابط تفکیک جرم سیاسی از جرم امنیتی

۱-۲-۱- شخصیت مجرم

اگر مجرم از شخصیت‌های سیاسی، یا به اصطلاح «رجال سیاسی» باشد، جرم او سیاسی محسوب می‌شود، اما اگر از افراد جامعه که با سیاست سروکاری ندارد، رخ دهد، جرم او سیاسی محسوب نمی‌شود؛ هرچند

۷- ماده ۵۰۰ قانون مجازات اسلامی کتاب پنجم تعزیرات مصوب ۱۳۷۵.

که در عمل صدماتی به تشکیلات حکومتی وارد آورده است (امین‌زاده، ۱۳۸۴، ۷۷). به هر روی در همین حد از اهمیت می‌توان گفت، شخصیت بزهکاران امنیتی، مشتمل بر بی‌پروایی در تصمیم‌گیری‌های مجرمانه، واجد روح تهاجم و پرخاشگری و قدرت‌نمایی کاذب، میل به انهدام و تخریب و ایجاد ضرر و زیان، بی‌احتیاطی نسبت به حفظ امنیت خود و دیگران است. اما در برابر، اغلب قریب به اتفاق مجرمان سیاسی دارای ویژگی مثبت و با فرهنگ والا به لحاظ انسانی هستند. به همین دلیل، «از آن جا که شخص محترم و دارای موقعیت اجتماعی مرتکب جرم سیاسی می‌شود، مجرم سیاسی در مجموعه گسترده جرایم یقه سفید قرار می‌دهند» (Shapiro, 2001, 2941). البته به نظر می‌رسد نتوان، شخصیت مجرم را به‌عنوان یک ملاک و معیار در نظر آورد؛ در حقیقت، شخصیت، خود اماره و قرینه‌ای مناسب برای پی بردن به ماهیت جرم خواهد بود ولی ملاک تعیین‌کننده و منفرد نیست. در حقیقت، آنچه گفته خواهد شد، «موردی» خواهد بود که از قضا ممکن است در پرونده‌ای چنین نباشد و یا نتیجه نداده و یا نتیجه‌ای نادرست در پی داشته باشد.

۲-۲-۱- ضابطه ذهنی

در این ضابطه، انگیزه شخص مجرم ملاک قرار می‌گیرد نه اثری که برجای می‌گذارد (Wyngaert, 1980, 108)؛ لذا بر طبق ضابطه پیش رو، در صورتی که منظور و هدف نهایی مرتکب فقط در جهت تأمین منافع خصوصی و اغراض شخصی باشد، در زمره جرائم امنیت عمومی بوده و به علت فقدان انگیزه سود عموم، نمی‌تواند مشمول عنوان جرم سیاسی قرار یابد (اردبیلی، ۱۳۷۹: ۲۶۵). اگر به انگیزه ارتکاب جرائم سیاسی توجه کنیم، در می‌یابیم که در این دست از جرائم محرکی فراتر از انگیزه شخصی وجود دارد و به عبارت دیگر هدف آن‌ها از ارتکاب خودخواهانه و در جهت منافع شخصی نیست (Szabo, 1972, 8). به همین دلیل در نظر برخی از اندیشمندان و بعضی از قوانین کیفری جهان از آن به‌عنوان جرم «پاک» نیز یاد می‌شود؛ زیرا انگیزه انجام آن شخص نیست؛ بلکه منفعت عمومی است (بشارتی، ۱۳۹۰: ۳).

در این شاخص، مجرم سیاسی به‌عنوان عضوی از اجتماع و نظام سیاسی دست به جرم زده است و هدف آن حداقل در عرصه نظری، نگرانی برای کل جامعه است. هدف مجرم سیاسی، برآورده کردن منفعت عمومی یا خیرهمگانی است و منفعت خود را نیز در منفعت جامعه دانسته و آن نیز واحدی مجزا از افراد تشکیل‌دهنده جامعه و برتر از آن‌ها نیست. این غایت برای مجرم سیاسی مهم تلقی می‌شود؛ اما جهت

نیل به آن تمسک به هر مستمسکی را مجاز ندانسته و فاصله چندانی با آثارشی یا هرج و مرج اخلاقی دارد. البته می‌توان این شاخص را به صورت غیرواقعی و در قالب شبهه نیز مدنظر قرار داد؛ نظیر شبهه‌ای که فقها در بیان باغی آورده‌اند و به نظر می‌رسد همین تصور بنابر مبانی احسان در فقه و مستندات دینی نیز قابل پذیرش باشد. توضیح آن که؛ گاهی شبهه مصلحت عمومی (تصور اشتباه و شخصی از مفهوم یا مصداق مصلحت عامه) در نظر متهم سیاسی وی را وادار به اقدام کرده است و نه آن که حقیقتاً فضای بسته جامعه به قدری باشد که مصلحت حقیقی و واقعی عموم در آن باشد.

به هر روی، در رویه قضایی بسیاری از کشورها نیز این گونه است که جرایمی را که به منافع خصوصی و مادی افراد ضربه می‌زند؛ حتی اگر انگیزه سیاسی نیز داشته باشند جرم سیاسی در نظر گرفته نمی‌شود (استفانی و همکاران، ۱۳۷۷، ۱۳۸). در قانون جرم سیاسی ایران، ماده یک آن، جرم سیاسی را این گونه تعریف می‌کند: «هر یک از جرائم مصرح در ماده دو این قانون چنانچه با انگیزه اصلاح امور کشور علیه مدیریت و نهادهای سیاسی یا سیاست‌های داخلی یا خارجی کشور ارتکاب یابد، بدون آن که مرتکب قصد ضربه زدن به اصل نظام را داشته باشد جرم سیاسی محسوب می‌شود». بر همین اساس، تکیه قانون ایران به عنصر ذهنیت‌گرا را می‌توان در این ماده ملاحظه کرد؛ این در حالی است که اگر در مقام دادرسی، این معیار مورد توجه قرار گیرد، نخست آن که، قبول داعی و انگیزه بی‌غرضانه برای مجرمین سیاسی در غالب موارد مشکل می‌باشد؛ چه آن که عده‌ای از روی حس انتقام جویی و جاه طلبی و... خود را مصلح و در پی سعادت جامعه معرفی می‌کنند (جمعی از نویسندگان، ۱۳۷۹، ۱۳). افزون بر این، تشخیص ذهنیت متهم و انگیزه خوانی متهمان سیاسی افزون بر این که به سختی صورت می‌گیرد، ممکن است احراز این انگیزه، توسط قاضی رسیدگی‌کننده، منجر به رویه‌های متشت و متناقض شود و همین عامل احراز انگیزه متهم (توسط سلیقه قاضی) تفکیک جرم سیاسی از امنیتی را مشکل و آسیب‌های موجود را دوچندان می‌کند.

۳-۲-۱- ضابطه عینی

در این ضابطه، عواقب و نتیجه جرم است که باید مورد توجه قرار گیرد (Mirmohammadsadeghi, 2018, 36). بر طبق این ضابطه اگر عواقب جرم به طور مستقیم یا غیرمستقیم بر دولت، حاکمیت یا عناصر و تشکیلات وابسته به آن وارد گردد، جرم سیاسی به شمار می‌آید. قانون جرم سیاسی ایران در ماده دو، با توجه به ضابطه عینی، یک دسته از جرائم را برشمرده و با تحقق شرایط مندرج در ماده یک قانون جرم سیاسی، جرم ارتكابی را جرم سیاسی می‌داند.

ولی به نظر می‌رسد که تکیه قاضی در بستر دادرسی ایران بر این ضابطه، نتواند جرم سیاسی را از امنیتی و حتی از دیگر جرایم تمیز دهد. در حقیقت، جرایم مندرج در این ماده، مستقلاً دارای عنوان مجرمانه می‌باشند^۸ و در صورت داشتن انگیزه سیاسی، جزء جرایم سیاسی شمرده می‌شوند و به تنهایی نمی‌توان آن‌ها را حتی در صورت بروز خارجی نتیجه آن‌ها به شکل سیاسی در سطح جامعه، در شمار جرایم سیاسی آورد. افزون بر این، تکیه بر این معیار، دادرس را در دوگانه‌ای معماگونه قرار می‌دهد؛ توضیح این که، از سویی مصادیق تعیین شده در ماده اعم از توهین یا افتراء به مقامات و مسئولین و چه نشر اکاذیب هیچ ضرر و لطمه‌ای بر دولت، حاکمیت، عناصر و تشکیلات وابسته به آن ندارد و نه تنها منجر به تضعیف پایه‌های حکومت نمی‌شود؛ بلکه نشر اکاذیب و توهین به مقامات و مسئولینی که واقعا دلسوزانه، مدبرانه و دغدغه‌مندانه در راستای منافع مردم خدمت می‌کنند موجب تقویت پایه‌های نظام می‌شود؛ مگر آن که استحسانی را برجسته نموده و باور داشت که «توهین، ایراد، افتراء و نشر اکاذیب خودش با انگیزه اصلاح امور که در تعریف جرم سیاسی آمده است سازگاری ندارد. اگر بحث انگیزه اصلاح امور باشد، اصلاح امور با توهین و ایراد، افتراء و نشر اکاذیب صورت نمی‌گیرد» (رشیدی، خادمی، ۱۳۹۵: ۱۴۶) که در این صورت تناقضی نهفته در قانون جرم سیاسی پدیدار خواهد شد.

۴-۲-۱- کیفیت وقوع جرم

مفروض این معیار آن است که متهمان سیاسی در فرایند کنش معطوف به حیات جمعی، برای نیل به اهداف خود از ابزارها و شیوه‌های گوناگون بهره می‌برند. شیوه‌های اقدام مؤثر به کارگرفته در خلال زمان‌های مختلف دارای ویژگی‌های جرم سیاسی یعنی عمومی بودن، آگاهانه بودن، شکستن قانون و غیر خشونت‌آمیز بودن هستند. در حقیقت، مجرم سیاسی در دستیابی و محقق نمودن اهداف خود، روش تبلیغ و نشر گفته‌ها و سخنان خود به وسیله سخنرانی و نوشتن، را دنبال می‌کند. کنشگران سیاسی با استفاده از عنصر قلم و سخن، نه تنها بایستی از آگاهی لازم نسبت به موضوعاتی مانند فساد و پاسخگویی مسئولان، نظارت بر آن‌ها و حقوق بشر برخوردار باشند، بلکه به تفکر نقاد درباره درک الگو و سیستم‌های قدیمی و شناخت الگوهای جایگزین نیز مسلح باشند. به بیان دیگر، آگاه‌سازی و هوشیاری شهروندان توسط منتقدان و مصلحان، قاطبه مردم را به این سلاح مجهز می‌کند نه تنها نسبت به موضوع مورد بحث از آگاهی

۸- جرم توهین به مقامات دولتی ایران در ماده ۶۰۹، جرم توهین به مقامات سیاسی خارجی مصرح در ماده ۵۱۷ و جرم نشر اکاذیب در ماده ۶۹۸ قانون مجازات اسلامی کتاب پنجم تعزیرات مصوب ۱۳۷۵.

لازم برخوردار باشند، بلکه در تغییر شرایط نسبت به سیستم نامناسب و منفی و همچنین، نسبت به سیستم‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی ایده‌آل شناخت کافی داشته باشند (اسلامی، ۱۳۹۶، ۳۱۵). داشتن روحیه نقادانه نسبت به تمام مقامات و نهادهای موجود سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و همچنین نهادهای تصمیم‌گیر به پایان اعمال حاکمیت مستبدانه خاتمه داده و جامعه را به سمت رهایی از عدم پاسخگویی سوق می‌دهد. منتقدان با استفاده از شیوه مسالمت‌آمیز، با ایجاد تغییر در ذهنیت و نگرش شهروندان در تعاملات و مناسبات قدرت امید دارند، آگاهی از شرایط ذهنی و عینی جامعه موجب تصمیمات مهمی در بزنگاه‌های انتخاباتی اتخاذ کنند.

۵-۲-۱- افکار عمومی

توجه به افکار عمومی و وجدان عمومی به‌عنوان پشتوانه توجیهی در تمیز جرائم سیاسی از جرائم امنیتی می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد. در حقیقت بدون اختلاط با «عوام‌گرایی کیفری»، هنگامی که مردم با واقعیت‌های پرونده از جمله علل و عوامل وقوع جرم، و ویژگی‌های فردی و شخصیتی مجرم آشنا می‌شوند، همراهی منطقی و غیراحساسی در حمایت از مجرم سیاسی انجام می‌دهند. در واقع وقتی به طور دقیق به نگرش‌ها و دیدگاه‌های مردم نگریسته شود مشاهده می‌شود که نوع جرم، باورها و افکار عمومی را هدایت کرده و این مطلب، مویذ این خواهد بود که «پس از حوادث مهم جنایی، فضای حاکم بر افکار عمومی، آکنده از احساسات خشم‌آلود و انتقام‌جویانه است» (مقدسی و فرجیها، ۱۳۹۲، ۱۴۸).

انتظار عمومی از دستگاه قضایی در اجرای قاطعانه طرح مقابله با افرادی که امنیت عمومی مردم را خدشه‌دار کرده‌اند، بحث ناامنی‌های ناشی از این‌گونه جرائم خشونت‌بار و ضرورت برخورد قاطع با آن را به یک «مطالبه عمومی» تبدیل کرده است. در مقابل، هرگاه جرائم ارتكابی مورد حمایت توده مردم بوده و احساسات عمومی را نیز جریحه‌دار نکرده باشد، جرم، سیاسی محسوب می‌شود. در جرائم سیاسی نیاز به اتخاذ شدت عمل کیفری نیست. از سوی دیگر، عقلایی نیست که افکار عمومی از کسانی حمایت کند که متعرض تمامیت و موجودیت نظام باشد. بر این اساس، جرم سیاسی بخشی از فرایند تبادل نظر عقلانی و ارتباطی از سوی جامعه و مجرم سیاسی، با هدف روشن کردن اذهان عمومی در جهت مقابله با حکومت است. از سوی دیگر جرم سیاسی تنها در برابر رفتار حکومتی، بلکه عدم اجرای وظیفه‌ای از سوی نهادهای مختلف روی می‌دهد. بر این اساس، نظر به این که اصولاً ارتكاب جرایم سیاسی به منظور خشنودی جامعه رخ می‌دهد، یکی از معیارها برای تشخیص جرایم سیاسی از جرایم عمومی را می‌توان «کیفیت تأثیر جرایم ارتكابی بر افکار عمومی» عنوان کرد؛ چه آن که

«مجرمان سیاسی در افکار عمومی دارای شأن و حیثیت خاصی می‌باشند که با توجه بدان قانون‌گذار نسبت به آن‌ها جنبه اعتدال را در نظر می‌گیرد» (باهری، ۱۳۹۴، ۲۶۶).

البته این ضابطه به همان میزان که می‌تواند در هویت و کارکرد نظام حقوقی حاکم بر جرم سیاسی، مؤثر باشد، به همان میزان در عمل می‌تواند مستمسکی برای موافقان و مخالفان قرار گیرد. دلیل این دوگانگی در کارکرد، می‌تواند به کشسانی و کمی نبودن و عدم امکان حصر ضابطه افکار عمومی در مقداری متعین دانست و در تأسیس اصل عدم همراهی افکار عمومی با اتفاق رخ داده نیز می‌توان تردید به دل راه داد.

۶-۲-۱- زمان ارتکاب جرم

بر طبق این ضابطه چنانچه جرمی در زمان انقلابات و شورش‌های داخلی و اوضاع غیرعادی علیه حکومت صورت گیرد، جرم سیاسی محسوب می‌شود؛ اما اگر این شرایط تحقق نیافت، یا این که تحقق یافت ولی در حالت انقلاب یا جنگ نبوده باشد، جرایمی که واقع می‌شوند، جرم سیاسی نبوده و در زمره جرایم عادی هستند (عوده، بی‌تا، ۱۰۱)؛ هرچند که امروزه منحصر دانستن تحقق جرم سیاسی به زمان خاص موضوعیت خود را از دست داده است زیرا حکمرانی‌های خوب نیز همیشه در معرض خطا و اشتباه هستند و چه بسا به جهت رفتار، عملکرد و عکس‌العمل‌های گوناگون ایشان، مورد انتقاد و ملامت قرار گیرند. از این‌رو، معیار نامبرده چندان نمی‌تواند ممیز باشد؛ البته زمان وقوع جرم خود قرینه‌ای بر ویژگی خاص آن عمل مجرمانه است (امین زاده، ۱۳۸۴، ۷۸).

۲-۲- جمع‌بندی ضوابط و بیان نظریه مختار

به طور کلی از آنچه بیان شد می‌توان نتیجه گرفت که هیچ‌کدام از معیارهای مذکور برای تشخیص جرم سیاسی، به تنهایی نمی‌تواند حدودمرز جرم سیاسی از جرم امنیتی را مشخص نمایند و نگاه تک‌ضابطه‌ای به این مقوله مردود است و باید ضوابطی چند با هم ترکیب شوند تا جرم سیاسی اثبات شود. به اعتقاد راقمان سطور، استفاده از معیارهای ترکیبی ذهنی، عینی و شیوه اقدام و زمان وقوع جرم برای فهم تشخیص جرم سیاسی از امنیتی کارساز است. در بیان ضابطه ذهنی، همان‌طور که بیان شد حقیقت آن است که فلسفه و چرایی تفکیک جرم سیاسی از جرایم امنیتی توجه به انگیزه مرتکبان آن است و از سوی دیگر مشکلات تعیین و اثبات انگیزه درونی منجر به سوءاستفاده احتمالی از سوی حاکمیت و متهمان می‌شود (یعنی به برجسب زدن عنوان مجرم امنیتی بر متهمان سیاسی و متهم امنیتی که ممکن است ادعای دلسوزی مردم را

مطرح کند، منجر گردد). بنابراین در خصوص راهکار سنجش ذهنی متهمان، برخلاف ماده ۵ قانون جرم سیاسی و همچنین بند دو بخشنامه قوه قضائیه در خصوص نحوه اجرای قانون جرم سیاسی مصوب ۱۳۹۹ (که دستیابی به انگیزه و قصد متهم از ارتکاب جرم را به قاضی سپرده است) با توجه به لزوم حفظ دادرسی جرم سیاسی از اعمال نفوذ، بایستی احراز انگیزه را به قضاوت هیئت منصفه واگذار کرد و با نقش مستقل خود بسیاری از ابهامات ناشی از اختلاف دیدگاه‌های موجود را در عمل برطرف کرد. بنابراین انگیزه در جرم سیاسی برخلاف تمام جرایم دیگر نه فقط به‌عنوان جهات تخفیف مجازات (بند دوم ماده ۳۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲) بلکه به‌عنوان اماره‌ای برای تشخیص مجرم سیاسی از مجرم امنیتی قرار دارد. با هدف تکمیل ضابطه ذهنی، ضابطه کیفیت وقوع جرم، نیز بسیار کارآمد خواهد بود؛ خاصه از این حیث که با بغی و براندازی متفاوت خواهد بود.

ضابطه دیگری که نه در همه زمان‌ها بلکه در برهه‌های خاصی می‌تواند قرینه و اماره‌ای بر تشخیص جرم سیاسی باشد، زمان وقوع، شرایط، اوضاع و احوال جامعه است. در حقوق جزا در بحث مجازات سرقت حدی (بند خ ماده ۲۶۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲) و جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی کشور (ماده ۵۰۹ قانون مجازات اسلامی کتاب پنجم تعزیرات مصوب ۱۳۷۵)، معیار زمان اوضاع و احوال جامعه، موضوعی برای تخفیف و یا تشدید مجازات ذکر شده است؛ به‌عنوان مثال مجازات سرقت حدی که قطع است، در زمان قحطی اجرا نمی‌شود. اما در بحث جرم سیاسی، عامل اوضاع و احوال می‌تواند اماره و قرینه‌ای بر وقوع جرم سیاسی باشد؛ برای مثال شوک تصمیم‌گیری‌های ناگهانی و غیرکارشناسی در حوزه معیشت از سوی حکومت و در مقابل واکنش‌های پیش‌بینی نشده و اعتراض مردم و سندیکاهای مختلف ناشی از نارضایتی اقشار گسترده‌ای از مردم به سیاست‌های غلط دولتمردان، در اجرای یک طرح در این برهه، به صورت اولیه، رفتار متهمان با توجه به اوضاع و احوال آن مقطع خاص در قالب عناوین مجرمانه اخلال در نظم و آسایش و آرامش عمومی قرار نمی‌گیرد. هر جرمی که با نیت سیاسی در شرایط، اوضاع و احوال عادی زمانی بوقوع پیوندد، جرم سیاسی نخواهد بود و در نتیجه احتمال قابل توجهی وجود دارد که مهم‌ترین دلیل سلسله اعتراضات، صرفاً مشکلات اقتصادی و تأثیرگذاری بر ادامه زندگی مردم بوده است. همچنان که، اصل تفسیر قوانین کیفری به نفع متهم به همراه حمایت از مجرم به‌عنوان مبنای جرم‌انگاری جرائم سیاسی، می‌تواند پشتوانه این اصل قرار گرفته تا آن‌ها را از مجرمان علیه امنیت جدا نموده و شرایط ارفاقی به حال مرتکبان را فراهم آورد.

۳- پایش رویه قضایی ایران در «تمییز جرایم سیاسی»

چنانچه بتوان معیار ترکیبی را مبنایی برای تفکیک جرم سیاسی از جرم امنیتی قرار داد و در پی آن نظام حقوقی هر یک از این دو جرم را در پرونده مطروح، فعال نمود، ضرورت دارد که سوابق رویه‌ای دستگاه قضایی ایران در ذیل آن مورد بررسی و آسیب‌شناسی قرار گیرد. پیش از آن، توجه به آمار و ارقام ارائه شده توسط سرپرست محاکم کیفری استان تهران از عملکرد هیات منصفه، بیان‌کننده «اکتفا به حداقل» در شناسایی مجرمین سیاسی است: «در این دوره (۱۴۰۰-۱۳۹۸) در مجموع یکصد و چهل و شش فقره پرونده با موضوع سیاسی و مطبوعاتی به شعب تخصصی ارجاع شد که از بین آن یکصد و چهل و دو فقره جرائم مطبوعاتی و چهار فقره آن جرائم سیاسی است».^۹

۳-۱- پرونده‌های جرم سیاسی در ایران

نخستین پرونده جرایم سیاسی، در بیستم مهرماه ۱۳۹۹ در شعبه نهم دادگاه کیفری یک مجتمع دادگاه‌های کیفری یک تهران (شعبه ۷۹ دادگاه کیفری استان سابق) مطرح شده است. در این پرونده، فرد الف بر اساس بند «ث» ماده دو قانون جرم سیاسی، متهم به نشر اکاذیب شد و هیئت منصفه پس از شنیدن سخنان شاکی و مشتکی عنه و مطالعه پرونده تشکیل جلسه داد و طبق مشورت و ارائه دیدگاه‌های مختلف با رای‌گیری به اتفاق اتهامات انتسابی را وارد ندانست و متهم تبرئه شد. محتوای پرونده چنین است: در خصوص شکایت وزارت اطلاعات علیه آقای الف دائر بر نشر اکاذیب و بیان مطالب خلاف واقع، با انگیزه اصلاح امور کشور علیه وزارت اطلاعات مبنی بر این که در یک برنامه تلویزیونی، مدعی شده بود که وزارت اطلاعات رسیدگی به پرونده پتروشیمی را «گزینشی» انجام داده است و به قائم مقام وقت وزارت اطلاعات اطلاع داده است و به او تشریح کرده است که فلانی در مجموعه شما به خطا رفته است... وزارت اطلاعات بر همین اساس، شکایتی ترتیب داده که دادگاه آن را بررسی و رای به تبرئه داده است.^{۱۰}

در پرونده کلاسه ۹۸۰۹۹۸۲۱۴۳۵۰۰۴۱۷ شعبه نهم دادگاه کیفری یک مجتمع دادگاه‌های کیفری یک تهران (شعبه ۷۹ دادگاه کیفری استان سابق)، آقای الف، به نشر اکاذیب به قصد تشویش اذهان عمومی متهم و به تبع آن کیفرخواست صادر شد. پس از رسیدگی، دادگاه اتهامات انتسابی را وارد و محرز می‌داند و در دادنامه ۹۹۰۹۹۷۰۲۲۵۶۰۰۲۶۷ به تاریخ ۱۳۹۹/۰۸/۰۵ هیات منصفه مطبوعاتی و جرم

9- https://dadgostari_the.eadl.ir/ خبر / article view

10- www.mizanonline.com

سیاسی پس از انجام شور با اکثریت آراء در مورد ارتکاب نشر اکاذیب با انگیزه اصلاح امور کشور به اتفاق آراء مجرم تشخیص لیکن متهم را مستحق تخفیف مجازات دانسته‌اند. در پرونده سوم، با شکایت دائر بر ارتکاب جرم سیاسی نشر اکاذیب با انگیزه اصلاح امور کشور، آقای الف مجرم شناخته شد. متهم قبلاً در حساب تویتری خود نسبت به پرده‌پوشی در پرونده یکی از معاونان پیشین قوه قضائیه هشدار داده بود و تویت کرده بود: «بدون وجود شبکه‌های فعال در هر سه قوه و چه بسا نهادهای دیگر بعید است فسادى شکل بگیرد که یک متهمش در رومانی از دنیا رانده شود. نکند سروته پرونده زده شود...».

۳-۲- تحلیل رویه قضایی جرم سیاسی در ایران

در این سه پرونده، آنچه عمدتاً مدنظر قاضی قرار گرفته است، وضعیت ذهنی است. بدان معنا که هدف آن‌ها حداقل در عرصه نظری، نگرانی برای کل جامعه بوده و تنها به نفس مصلحت سیاسی کشور به ارائه انتقاد از طریق مصاحبه با تلویزیون و روزنامه‌ها و تویت در فضای مجازی پرداخته‌اند. تکیه صرف بر این معیار در پرونده‌های مذکور، آسیب‌هایی که پیش‌تر بیان شد را در پی خواهد داشت؛ از جمله امکان بروز خطاهای شناختی در تشخیص وضعیت ذهنی و خطاپذیر بودن تأکید بر ملاک واحد؛ نظیر تکیه بر عامل خشونت‌آمیز نبودن که در مواردی همچون تبلیغ علیه نظام به شیوه غیرخشونت‌آمیز کارایی نخواهد داشت. گرچه که با واگذاری حیث موضوع‌شناسی (نه حکم‌شناسی) امر به هیأت منصفه (مانند این که آیا قصد براندازی بوده است یا خیر) می‌توان از آسیب‌های موجود کاست. افزون بر این، چنانچه همین معیار، به صورت منفرد مدنظر قاضی در این پرونده‌ها، بوده باشد، جای تامل است که چرا تنها همین موارد اندک به‌عنوان جرم سیاسی در این سال‌ها در نظر گرفته شده است.

البته اعمال معیار مطلوب در این نوشتار، منجر به آن نمی‌شود که این سه پرونده، از دایره جرم سیاسی خارج شود؛ چه آن که، فعل ارتكابی در این سه پرونده، از طریق مصاحبه با تلویزیون و روزنامه‌ها و تویت در فضای مجازی بوده است. استفاده از این ابزارها، یک شیوه عمل محسوب می‌شود که «از لحاظ فیزیکی غیرتهاجمی و دور از خشونت به‌عنوان یک حرکت افراطی و خارج از قاعده و در تقابل با نظم جامعه و حتی محو شخصیت فیزیکی» (استیرن، ۱۳۸۱، ۲۱) است. بررسی پرونده‌های فوق نشان می‌دهد که مجرمین در موضوع کیفیت وقوع جرم به گونه‌ای عمل کرده‌اند که نه تنها مخالفت و افکار خویش را در برابر تصمیم، سیاست، وضع و حال مشخص ابراز دارند، بلکه توجه عمومی را به این مسئله خاص معطوف سازند و بدین وسیله برای تغییر آن قانون یا سیاست، افراد جامعه را همراه سازد. بر این اساس، بر

ابزاری ارتباط‌گرایانه با عموم، دست گذاشته‌اند. برای مثال در پرونده‌های فوق، از گزینشی عمل کردن وزارت اطلاعات در بررسی پرونده‌های چند هزار میلیاردی همچنین در پرونده دوم، از فرار ریاست سابق بانک ملی که با دریایی از ثروت مردم ایران به کانادا مهاجرت کرده و در پرونده آخری نیز از فعالیت یکی از مسئولان رده‌بالای قوه قضاییه سوال شده و تذکر داده شبکه‌های فعال فساد در هر سه قوه و چه بسا نهادهای دیگر فعال هستند.

در نهایت، ذکر این نکته نیز ضرورت دارد که عمدتاً سکوت عمدی قانون‌گذار در مفهوم‌شناسی و یا باقی‌گذاردن یک «ایهام» در متن قانون (به نحوی که قابل حمل بر دو یا چند معیار باشد) قصدگرایانه تفسیر می‌شود. بدان معنا که قانون‌گذار به دلیل شفاف نبودن امر سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و... مقتضی را در سکوت یا جعل ایهام دانسته که این خود می‌توان به نوعی اعراض از صلاحیت مرزگذاری توسط مقنن به جانب دستگاه قضایی و دارای آثار بی‌شماری شود (فارغ از آسیب‌هایی که در عرصه رویه قضایی ایجاد خواهد شد). به هر روی، حتی اگر نتوان معیار کیفیت وقوع جرم را ملاک نهایی قرار داد، اصرار بر «یک» ملاک و مبنای یگانه «معیار مختلط» برای تمایز جرم سیاسی از جرم امنیتی نیز چندان صحیح و مطلوب نخواهد بود. چه آن که، به دلیل چالش‌هایی که در حوزه مفهوم‌شناسی جرم سیاسی وجود دارد و از جمله آن‌ها نسبیّت، گاه قاضی با وضعیتی مواجه می‌شود که آن مبنای واحد ناکارا خواهد بود. بر این اساس، باور به «تجمیع ظنون» و نگاهی مجموعی به معیارهای فوق می‌تواند دستگاه قضایی را در وضعیت‌های پیش‌گفته، پاسخگو قرار داده و نیز تشخیص مجرم سیاسی از مجرم امنیتی را دقیق‌تر سازد.

افزون بر این‌ها، تأسیس اصل توسط قانون‌گذار و یا قاضی در چنین مواردی نیز می‌تواند راهگشا باشد؛ بدان معنا که اصل در موارد تردید میان جرم سیاسی و جرم امنیتی کدام خواهد بود. در پاسخ به نحو اجمالی می‌توان گفت که با توجه به نظام حقوق و آزادی‌ها در این حوزه، می‌توان اصل را بر جرم سیاسی قرار داد. بدیهی است که نمی‌توان این اصل را بدان دلیل در تراحم شبهه‌وار میان «حقوق مجرم سیاسی» و «حقوق مردم در جرم امنیتی» بایستی جانب مردم را نگاه داشته و اصل را بر جرم امنیتی قرار داد؛ چه آن که قاعده تقدم مصالح عمومی بر مصالح فردی، در صورت وقوع قابل اعمال است ولی در موارد این چنین که تردید و شبهه‌ای بیش، رخ نداده، نمی‌توان این قاعده را به صورت جزمی اعمال کرده و اصل را بر جرم امنیتی قرار داد و نظام حقوقی جرم امنیتی را در خصوص متهم مشکوک الحال اجرایی ساخت. همچنان که اصل تفسیر قوانین کیفری به نفع متهم نیز با ملاحظاتی می‌تواند پشتوانه این اصل قرار گیرد.

نتیجه

تاریخ و تجربه نظام‌های حقوقی مختلف و از جمله نظم حقوقی ایران، نشانگر چالش کشورها و نظامات مختلف حقوقی در حوزه فهم جرم سیاسی و حمایت از مجرمان سیاسی است. این چالش‌ها را می‌توان عمدتاً متأثر از نسبیّت مفهوم، امر دکترینال و امر فقهی حاکم بر جرم‌انگاری جرم سیاسی دانست. به عبارت دیگر، مفهوم جرم سیاسی سیال تابعی از نوع نگرش حکومت و در درون پیوند قدرت و جرم بازتعریف می‌شود. بحث فقهی جرم سیاسی و نیز مشخص نبودن نسبت امر دکترینال و جرم سیاسی نیز نامشخص شدن مرز جرم سیاسی از جرم امنیتی دامن می‌زند. با این وجود معیارها و ضوابط گوناگونی برای تمییز این دو جرم از یکدیگر مطرح شده است که می‌توان از آن جمله به شخصیت مجرم، ذهنیت مجرم، پیامد و کیفیت وقوع جرم و افکار عمومی اشاره کرد؛ ولی مبتنی بر تجمیع ظنون و در پی راهکاری کارآمد در تمامی پرونده‌ها می‌توان به رویکرد ترکیبی از ضوابط دل بست.

با این حال، آنچه که این نوشته با تأکید بر آن نگاشته شده بود، نقد رویکرد قضایی ایران به جرم سیاسی و امنیتی بود. با بررسی اندک پرونده‌های جرم سیاسی در نظام قضایی ایران مشخص شد مراد از فعالیت سیاسی مبارزین سیاسی شامل فعالیت‌هایی با هدف مقابله و مبارزه با وضعیت موجود می‌باشد. اصلاحات مورد درخواست متهمان سیاسی مبتنی بر درک نیاز و خواست جامعه و متناسب با شرایط امروز ایران است که علاقه‌مندی افراد به فعالیت برای نقد فساد و عدم نظارت هیأت‌های نظارت با هدف اعمال نفوذ، تحت تأثیر قرار دادن نهادها و ترغیب آن‌ها به وظایف خود است. بنابراین صرف بیان عقیده و نظر در ارتباط با امور سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و نظایر آن و انتقاد از عملکرد مسئولین امر، شامل فعالیت‌های سیاسی مسالمت‌آمیز می‌شود و صدق عناوین مجرمانه بر آن‌ها سخت است و اقدامات فعالین سیاسی ربطی به برهم زدن نظم عمومی و اقدامی علیه امنیت داخلی محسوب نمی‌شود. روند برگزاری دادگاه‌ها در حوزه جرم سیاسی و تطابق کم و کیف محاکمات سیاسی با معیارهای موجود در این پژوهش در همین سه پرونده نیز می‌تواند به فاصله‌گیری از عناوین فقهی و تطبیق معیار و شاخص کیفیت وقوع جرم رهنمون شود.

به نظر می‌رسد بهتر بود که مقنن زمینه را برای نگاه تجمیعی به معیارهایی چون کیفیت وقوع جرم و شرایط و اوضاع و احوال جرم را نیز فراهم سازد؛ ولی تکیه دادرسان در پرونده‌های موجود بر معیار ذهنی، می‌تواند مرز جرم سیاسی از جرم امنیتی را انتزاعی‌تر و نامشخص‌تر نماید و از سوی واگذاری تشخیص

ذهنیت و قصد در اقدامات انجام یافته توسط هیأت منصفه می‌تواند این معیار را نیز برای تشخیص جرم سیاسی از امنیتی کارآمد و قابل اتکا سازد. به هر روی، مجرمیت سیاسی، گرچه پدیده‌ای مجرمانه است و جرم‌انگاری شده، اما نفس مزایایی که برای ایشان در نظر گرفته شده، خود ضرورتی را می‌تواند یادآورد شود؛ ضرورتی که به معنای آن است که حذف مجرم سیاسی در دراز مدت به نفع هیچ جامعه‌ای نیست چون آسیب‌های جامعه انباشته شده و به شرایط تراکم و انسداد می‌رسد. با این حال در آینده همچنان پایش رویه قضایی (چنان که شکل خواهد گرفت) و نقد و آسیب‌شناسی آن در قالب آثار پژوهشی ضرورت دارد؛ همچنان که آینده‌پژوهی در این حوزه می‌تواند پاسخی را برای نظام قضایی ایران تدارک ببیند.

ملاحظات اخلاقی: موارد مربوط به اخلاق در پژوهش و نیز امانتداری در استناد به متون و ارجاعات مقاله تماماً رعایت گردیده است.

تعارض منافع: تعارض منافع در این مقاله وجود ندارد.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش بدون تأمین اعتبار مالی نگارش یافته است.

منابع

- اسلامی، رضا، ۱۳۹۶، آیا حقوق بشر: راهنمای هنجاری حقوق مدنی و سیاسی برای توانمندی و مطالبات جامعه مدنی، تهران، انتشارات میزان.
- استیرن، فرانسوا، ۱۳۸۱، خشونت و قدرت، ترجمه بهنام جعفری، تهران، انتشارات وزارت خارجه.
- استفانی، گاستون؛ لوسور، ژرژ؛ بولک، برنار، ۱۳۷۷، حقوق جزای عمومی، ترجمه حسن دادبان، تهران، انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی.
- امین زاده، محمد، ۱۳۸۴، بررسی تطبیقی جرم سیاسی در فقه و حقوق موضوعه با ملاحظه اندیشه‌های امام خمینی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده الهیات، پژوهشکده امام خمینی (ره).
- باهری، محمد، ۱۳۹۴، حقوق جزای عمومی، تهران، نگاه معاصر.
- بشیریه، حسین، ۱۳۸۲، آموزش دانش سیاسی، تهران، انتشارات نگاه معاصر.
- پژمان‌منش، بهرام، ۱۳۹۵، بررسی مفهوم و مصادیق جرم سیاسی از منظر حقوق ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه سمنان.
- توسلی نائینی، منوچهر و قاسمی، آریز، ۱۳۹۶، جرم سیاسی منفی، درآمدی بر نگرشی نو به معنای جرم

- سیاسی، فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، شماره ۲۰.
- حائری، محمدحسن؛ قبولی درافشان، محمدتقی؛ موسوی مشهدی، قدسیه، ۱۳۹۱، نگرشی نو در رابطه جرم سیاسی با مفاهیم محاربه، افساد فی الارض و بغی در فقه و حقوق موضوعه، فصلنامه آموزه‌های حقوق کیفری، شماره ۳.
- حکمت، سپهر، ۱۳۹۵، اصلاحات و براندازی نرم، تهران، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- جمعی از نویسندگان، ۱۳۷۹، ملاحظاتی درباره جرم سیاسی، تهران، انتشارات مرکز پژوهش‌های مجلس.
- رحمانی، قدرت‌الله، ۱۳۹۵، تعریف جرم سیاسی؛ الزام غیرمصلحت‌گرایانه قانون اساسی، فصلنامه مطالعات حقوق عمومی، شماره ۴.
- رشیدی، احمد، خادمی، امین، ۱۳۹۵، جرم سیاسی و چالش‌های فراروی تعریف آن در ایران، فصلنامه مطالعات سیاسی، شماره ۳۲.
- زارع، علیرضا، بی‌تا، جرم سیاسی در حقوق تطبیقی، تهران، انتشارات پژوهشگاه قوه قضائیه.
- شاملو، باقر، ۱۳۹۰، ماهیت و نقش هیئت منصفه در نظام عدالت کیفری ایران از ظهور تا افول، فصلنامه تحقیقات حقوقی، شماره ۵۶.
- شریف آبادی عزیزی، زهرا، ۱۳۹۷، تحلیل جرم فعالیت تبلیغی علیه نظام جمهوری اسلامی ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق، دانشگاه پردیس فارابی.
- صادقی، محمدهادی؛ فروغی، فضل‌الله؛ جودکی، بهزاد، ۱۳۹۸، قاعده منع استرداد مجرمان سیاسی در پرتو اجرای قانون جرم سیاسی، فصلنامه مطالعات حقوقی، شماره ۴.
- صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۶۴، جلد سوم، تهران، انتشارات مجلس شورای اسلامی.
- کدیور، محسن، ۱۳۷۹، دغدغه‌های حکومت دینی، تهران، انتشارات نی.
- کوشکی، غلامحسین و علیزاده، نادر، ۱۳۹۴، نگاهی به قلمرو جرایم امنیتی در پرتو صلاحیت دادگاه انقلاب، مجله پژوهش حقوق کیفری، شماره ۱۲.
- گرجی ازندریانی، علی اکبر، ۱۳۹۵، حقوقی سازی سیاست، تهران، انتشارات خرسندی.
- لواسور، ژرژ، ۱۳۶۹، مسئله جرم سیاسی در حقوق استرداد مجرمان، ترجمه مصطفی رحیمی، مجله کانون

و کلا، شماره ۱۵۳ و ۱۵۲.

- محبی، جلیل، ۱۳۸۹، بایسته‌های تعریف جرم سیاسی در قاموس حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه پژوهشنامه حقوق اسلامی، شماره ۳۱.

- مقدسی، محمدباقر و فرجیها، محمد، ۱۳۹۲، بستر ظهور عوام‌گرایی کیفری، فصلنامه مطالعات حقوق تطبیقی، شماره ۲.

- میرمحمدصادقی، حسین، ۱۳۸۹، جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی، چاپ هفدهم، تهران، انتشارات میزان.
- منصوری نیا، زهرا، ۱۳۹۵، مبانی جرم‌انگاری جرایم سیاسی، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه شهید باهنر کرمان.

- نوربها، رضا، ۱۳۸۰، زمینه حقوق جزای عمومی، چاپ پنجم، تهران، انتشارات گنج دانش.

- واعظ فخری، فاتزه، ۱۳۸۸، بررسی موانع تقنینی جرم سیاسی در نظام جمهوری اسلامی ایران، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، دانشکده حقوق، دانشگاه علامه طباطبایی.

- هاشمی، سیدمحمد، ۱۳۹۱، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران: اصول و مبانی کلی نظام، تهران، انتشارات میزان.

- یوسفلو، بهروز، ۱۳۹۷، سیاست کیفری ایران و اسلام در قبال شروع به جرایم امنیتی با رویکرد عدالت کیفری، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، دانشکده حقوق، دانشگاه تبریز.

عربی

- الفاضل، محمد، ۱۹۷۶، المبادئ العامة في التشريع الجنائي، دمشق، مطبعة الداودي.

- عوده، عبدالقادر، بی‌تا، التشريع الجنائي الاسلامی مقارنا بالقانون الوضعی، قاهره، المكتبة التوفيقية.

لاتین

- Cambell, Tom, 2006, Rights, a Critical, Introduction London, Routledge.

- Fattah, Ezzat, 1997, criminology: past. Present and future, a critical overview, Macmillan, press ltd.

- Packer, H, I, 1962, Offenses against the state, the annals of the American academy of political and social science.

- Ross, J, I, 2002, the dynamics of political crimes, New York.

- Shapiro, Susan P, 2001, Crime: White-collar, in International Encyclopedia of the Social & Behavioral Sciences, volume 5.

- Schafer, Stephen, 1972, the concept of the political criminal, Journal of criminal law and criminology.
- Mir Mohammad Sadeghi, Hossein, 2018, A Glance at political crime, Islamic Studies on Human Rights and Democracy, Vol.2, No. 2.
- Szabo, Denis, M, 1972, Political crimes: A Historical Perspective, Denver Journal of International Law & policy.
- Wright, Richard & Miller.J , Miller, 2005, Encyclopedia of criminology Routledge, New York.
- Radzinowicz, Leon. & Wolfgang, Marvin, 1997, Crime and justice, basic books, New York.
- Wyngaert, Van den, 1980, The Political Offence exception to extradition, the delicate problem of balancing the rights of the individual and the international public order, Deventer, Boston, Kluwer.